



زندگی و فعالیت های امام حسن عسکری(ع)

امام حسن عسکری(ع)، یازدهمین پیشوای شیعیان، در هشتم ربیع‌الثانی سال 232 قمری در مدینه متولد شدند و 28 سال زندگی کردند و در 8 ربیع‌الاول 260 قمری نیز به شهادت رسیدند.

امام حسن عسکری(ع)، یازدهمین پیشوای شیعیان، در هشتم ربیع‌الثانی سال 232 قمری در مدینه متولد شدند و 28 سال زندگی کردند و در 8 ربیع‌الاول 260 قمری نیز به شهادت رسیدند.

به گزارش خبرگزاری برنا؛ امام حسن عسکری(ع)، یازدهمین پیشوای شیعیان، در هشتم ربیع‌الثانی سال 232 قمری متولد شدند، و این امام بزرگوار، مدت زیادی از عمر مبارک خود را در زندان‌های خلیفه عباسی گذراندند، که در ادامه مطلب، خلاصه‌ای از زندگی این امام را بخوانید.

تاریخ تولد آن حضرت در ربیع‌الثانی، روز هشتم سال 232 در مدینه چشم به جهان گشودند و 28 سال زندگی کردند. ابن خلکان تولد ایشان را روز پنجشنبه یکی از ماه‌های سال 231 دانسته و قول دیگری را نیز که ششم ربیع‌الآخر سال 232 می‌باشد، نقل کرده است.

مادر امام حسن عسکری (ع)

مادر بزرگوار حضرت، پاکترین، پارساترین، پاکدامن‌ترین و والاترین بانوی زمان خود بودند و راویان، ایشان را از بانوان عارفه و صالحه برشمرده‌اند. نام مادر امام را حدیث یا حدیثه گفته‌اند. برخی منابع مهم نام وی را حدیث یا سلیل که ممکن است لقب او باشد، ذکر کرده‌اند. در تعلیقه کتاب «کمال‌الدین» شیخ صدوق چنین آمده است: «المشهور اسمها حدیث مصغراً أو سلیل». کنیه، القاب و ویژگی ظاهری امام حسن عسکری(ع)

کنیه ایشان «ابومحمد» بود. در بعضی منابع کنیه‌های ابوالحسن، ابوالحجه، ابوالقائم نیز به کار رفته است.

القاب حضرت آینه صفات برجسته و گرایشهای والای ایشان است، این القاب عبارتند از:

خالص: ایشان از هر آرایش و پلیدی پاک بودند.

هادی: ایشان نماد هدایت و نشانه‌ی راهیابی و حرکت در صراط مستقیم برای عالمیان بودند.

عسکری: سامرا یک منطقه‌ی نظامی به شمار می‌رفت و امام را به خاطر اقامت در آنجا (یا محله‌ای از آنجا) «عسکری» لقب دادند. لازم به ذکر است همانطور که مورخان تصریح کرده‌اند اگر در جایی لقب «عسکری» به تنهایی بکار رود مراد امام حسن عسکری است نه پدرشان.

زکی: ایشان شریف‌ترین و پاک‌نهادترین انسان روزگار خود بودند جان و دل خود را پاک کرده در راه اعمال نیک پرورش داده بودند.

خاص: خداوند ایشان را با فضائل و اجابت دعا، ویژه و خاص خود گردانیده بود.

صامت: ایشان خاموش بودند و جز به یاد خدا، تعلیم و حکمت‌گویی، لب نمی‌گشودند.

سراج: ایشان چراغی بودند در تیرگی‌ها و مردم را به صلاح و تقوا راهنمایی می‌کردند.

تقی: ایشان پرهیزگارترین انسان زمان خود بودند و بیش از هر کس پاسدار احکام دین و متکی به پروردگار به شمار می‌رفتند.

ابن‌الرضا عنوانی است که امام جواد و امام عسکری(ع) هر دو به آن شهرت یافته‌اند.

درباره ویژگی‌های آن حضرت آورده‌اند: رنگش گندمگون، چشمانش درشت و سیاه، رویش زیبا، قامتش معتدل و اندامش متناسب

بود. با آن که جوان بود، بزرگان قریش و دانشمندان زمان خود را تحت تاثیر و نفوذ قرار می داد. دوست و دشمن به برتری او در دانش، بردباری، بخشش، پارسایی، پروای الهی و دیگر مکارم اخلاقی باور داشتند.

همسر و فرزند

طبق نقل مشهور، امام عسکری(ع) همسری اختیار نکرد و نسل وی تنها از طریق کنیزی ادامه یافت که مادر حضرت مهدی(ع) است. منابع، نام مادر امام مهدی(ع) را متعدد و مختلف ذکر کرده اند. در منابع آمده است امام حسن عسکری(ع) خادمان و کنیزان متعدد رومی و صقلایی و ترک داشت و شاید این اختلاف در نام مادر امام زمان، از سویی به سبب تعدد کنیزان و از سوی دیگر به منظور پنهان نگاه داشتن تولد امام مهدی(ع) بوده است.

بر اساس غالب منابع شیعه و سنی، تنها فرزند آن حضرت، امام زمان(عج) مسماً به «محمد» است. درباره فرزندان حضرت، اقوال دیگری هم وجود دارد. برخی او را دارای ۲ پسر و ۳ دختر شمرده اند. خصیبه افزون بر امام مهدی(عج) از دو دختر به نام های فاطمه و دلالة نام برده، و ابن ابی الثلج افزون بر آن امام، پسری به نام موسی و دو دختر به نام های فاطمه و عایشه (یا ام موسی) را برشمرده است، اما در برخی کتب انساب، نام های ذکر شده، خواهران و برادران امام حسن عسکری(ع) هستند، که شاید با فرزندان او خلط شده اند. در مقابل این منبع مشهور، برخی از عالمان اهل سنت مانند ابن جریر طبری، یحیی بن صاعد و ابن حزم معتقد بودند که امام عسکری(ع) فرزندی نداشته است.

شهادت امام حسن عسکری(ع)

سوابق بازداشت و خطری که همواره از طرف دستگاه حاکم متوجه جان حضرتش بود و این که حضرت یک شخصیت مخالف سیاسی به حساب می آمد و نیز رحلت آن حضرت در سنین جوانی، همگی دلیل شهادت آن حضرت می باشد. آن حضرت در هشتم ربیع الاول سال 260 هجری توسط سمی که از طرف معتمد خلیفه عباسی به زور به ایشان خورانده شد به شهادت رسیدند.

امام حسن عسکری(ع) را نزد طاغوت عباسی «معتمد» آوردند. او که از احترام جمیع طبقات مردم به امام و مقدم داشتن ایشان بر تمام علویان و عباسیان به تنگ آمده بود و از شنیدن فضائل حضرت مالامال از کینه شده بود، تصمیم گرفت ایشان را به شهادت برساند. لذا زهری کشنده به امام خوراند که بر اثر آن، بدن حضرت رنجه گشت و ایشان بستری شدند، اما با همه درد و آلام جسمانی صبورانه کار خود را به خداوند واگذار کردند.

از آنجا که امام یک چهره کاملاً شناخته شده در سامرا بود، هنگام رحلتش هاله ای از غم و بهت زدگی فضای سامرا را فرا گرفت. احمد بن عبید الله در روایتی که قسمتی از آن پیش از این ارائه شد، این صحنه را چنین وصف کرده: وقتی امام عسکری علیه السلام رحلت کرد، صدای شیون و فریاد همه جا را فرا گرفت. مردم فریاد می زدند: ابن الرضا رحلت کرد. آنگاه برای تدفین آماده شدند، بازار به حال تعطیل درآمد. پدر من (وزیر معتمد عباسی)، بنی هاشم، شخصیت‌های نظامی و قضایی و منشیان و مردم به سوی جنازه هجوم آوردند، آن روز در سامرا قیامتی برپا بود.

شرایط سیاسی دوران امام حسن عسکری(ع)

دوره امامت امام عسکری همزمان با سه خلیفه عباسی بود: معتز عباسی(۲۵۲-۲۵۵ق)، مهتدی (۲۵۵-۲۵۶ق) و معتمد (۲۵۶-۲۷۹ق). در دوره زندگی امام عسکری(ع)، دستگاه عباسی به ابزار دستی برای امیران رقیب تبدیل شده بود و بخصوص فرماندهان نظامی ترک نقش مؤثری در نظام حکومتی داشتند. شاید نخستین موضع سیاسی ثبت شده در زندگی امام حسن عسکری(ع) مربوط به زمانی باشد که امام حدود ۲۰ سال داشت و پدرش هنوز زنده بود. ایشان در نامه ای به عبدالله بن طاهر (از امیران صاحب نفوذ در دستگاه عباسی، که از دشمنان مستعین، خلیفه وقت به شمار می آمد)، خلیفه را فردی طغیان گر خواند و ساقط شدن او را از خدا خواست. این ماجرا چند روز پیش از سقوط مستعین بود.

پس از قتل مستعین، دشمن او معتز به قدرت رسید و با توجه به اطلاع احتمالی از موضع امام حسن عسکری(ع) نسبت به خلیفه مقتول، در آغاز حکومتش نسبت به آن حضرت و پدرش (حداقل در ظاهر) رفتار خصومت آمیزی نداشت. پس از شهادت امام هادی و جانشینی امام عسکری نیز شواهد حکایت از آن دارد که با وجود محدودیت هایی که برای فعالیت های ایشان اعمال می شده، امام از آزادی نسبی برخوردار بوده است. برخی از ملاقات های حضرت با شیعیان در اوائل امامت خود، این مسئله را تأیید می کند. اما پس از گذشت یک سال، خلیفه به امام بدگمان شد و در سال ۲۵۵ق، ایشان را زندانی کرد. امام در دوره یک ساله خلیفه بعدی (مهتدی) نیز همچنان در زندان بود.

با آغاز خلافت معتمد (۲۵۶ق) که با قیام های شیعی رو به رو بود، امام از زندان آزاد شد و بار دیگر به سازماندهی اجتماعی و مالی امامیه اهتمام ورزید. این نقش فعال امام، آن هم در پایتخت دولت عباسی، بار دیگر دستگاہ خلافت را نگران کرد. در صفر سال ۲۶۰ق امام به دستور معتمد به زندان افتاد و شخص خلیفه روزانه اخبار مربوط به امام را پیگیری می کرد. یک ماه بعد امام از زندان آزاد شد ولی تحت الحفظ به خانه حسن بن سهل (وزیر مامون) در نزدیکی شهر واسط منتقل شد.

ارتباط امام و شیعیان

با توجه به ترکیب جمعیتی مذاهب در جامعه ای که اکثریت آن را اهل سنت تشکیل می دادند، و همچنین فشارهای عباسیان بر شیعیان، جامعه شیعه در تقیه به سر می برد. با این حال امام حسن عسکری(ع) نسبت به اداره امور شیعیان و گردآوری وجوہات اهتمام داشت و وکیلانی به سرزمین های مختلف می فرستاد.

دیدار با امام

در اثر مراقبتی که نسبت به امام حسن عسکری(ع) وجود داشت، شیعیان برای دیدن او مشکل داشتند و از راه های گوناگون تلاش می کردند؛ برای نمونه هنگامی که خلیفه برای دیدن والی بصره می رفت و امام عسکری(ع) را نیز همراه خویش می برد، اصحاب امام در طول راه خود را برای دیدن وی آماده می کردند. راوی دیگر نقل می کند در یکی از روزها که قرار بود امام به دارالخلافه برود، ما در عسکر به انتظار دیدار وی جمع شدیم؛ در این حال از طرف آن حضرت توقیعی [یعنی نوشته ای] بدین مضمون به ما رسید: «کسی بر من سلام و حتی اشاره هم به طرف من نکند؛ زیرا در امان نیستید».

نمایندگان امام

محدودیت های شدید حاکم بر زندگی امام عسکری(ع) سبب شد که حضرت از نمایندگانی جهت ارتباط با شیعیان استفاده کند. در شمار این افراد به ویژه باید از عقید، خادم خاص وی، یاد کرد که امام او را از کودکی بزرگ کرده و حامل بسیاری از نامه های ایشان به شیعیان بود. همچنین فردی با کنیه غریب ابوالادیان که خادم حضرت بوده و ارسال برخی نامه ها را به عهده داشته است، اما مشخصاً کسی که در منابع امامی به عنوان باب [نماینده و رابط امام با مردم] شناخته شده، عثمان بن سعید است. عثمان بن سعید پس از وفات امام عسکری(ع) و با ورود به عصر غیبت صغری، به عنوان نخستین وکیل و نایب خاص امام زمان(ع) نیز ایفای نقش کرده است.

نامه نگاری

از راه های ارتباطی شیعیان با امام مکاتبه بود؛ برای نمونه می توان به نامه های ایشان به علی بن حسین بن بابویه، و نامه به مردم قم و آبه (آوه) اشاره کرد. شیعیان در مسائل و موضوعات مختلف برای ایشان نامه می نوشتند و پاسخ آن را دریافت می کردند.

فعالیت های امام حسن عسکری(ع)

امام عسکری(ع)، با وجود همه فشارها و مراقبت های بی وقفه حکومت عباسی، یک سلسله فعالیت های سیاسی و اجتماعی و علمی را در جهت حفظ اسلام و مبارزه با افکار ضد اسلامی انجام می داد که می توان آنها را بدین گونه خلاصه کرد:

1- کوشش های علمی

گرچه امام، به حکم شرایط نامساعد و محدودیت بسیار شدیدی که حکومت عباسی برقرار کرده بود، موفق به گسترش دانش دامنه دار خود در جامعه نشد، اما در عین حال، با همان فشار و خفقان، شاگردانی تربیت کرد که هر کدام به سهم خود در نشر و گسترش معارف اسلام و رفع شبهات دشمنان، نقش مؤثری داشتند. شیخ طوسی تعداد شاگردان آن حضرت را متجاوز از صد نفر ثبت کرده است که در میان آنان چهره های روشن، شخیت های برجسته و مردان وارسته ای مانند احمد بن اسحاق اشعری قمی، ابو هاشم داود بن قاسم جعفری، ابو عمرو عثمان بن سعید عمّری، علی بن جعفر و محمد بن حسن صقار به چشم می خورند.

2- ایجاد شبکه ارتباطی با شیعیان

در زمان امام حسن عسکری (ع) تشیع در مناطق مختلف و شهرهای متعددی، گسترش یافت و شیعیان در نقاط فراوانی تمرکز یافته بودند. شهرها و مناطقی مانند کوفه، بغداد، نیشابور، قم، آبه (آوه)، مدائن، خراسان، یمن، ری، آذربایجان، سامرا، جرجان و بصره، از پایگاه های شیعیان به شمار می رفتند. در میان این مناطق، به دلایلی، سامرا، کوفه بغداد، قم و نیشابور از اهمیت ویژه ای برخوردار بودند. گستردگی و پراکندگی مراکز تجمع شیعیان، وجود سازمان ارتباطی منظمی را ایجاد می کرد؛ تا پیوند شیعیان را با حوزه امامت از یک سو و ارتباط آنان را با همدیگر از سوی دیگر، برقرار سازد و از این رهگذر، آنان را از نظر دینی و سیاسی، رهبری و سازماندهی کند. این نیاز، از زمان امام نهم احساس می شد و شبکه ارتباطی وکالت و نصب نمایندگان در مناطق گوناگون، به منظور برقراری چنین برنامه ای، از آن زمان به مورد اجرا گذاشته می شد. این برنامه در زمان امام عسکری علیه السلام نیز ادامه یافت. به گواهی اسناد و شواهد تاریخی، امام عسکری علیه السلام نمایندگانی از میان چهره های درخشان و شخصیت های برجسته شیعه در مناطق متعدد منصوب کرده و با آنان در ارتباط بود و از این طریق، پیروان تشیع را در همه مناطق، زیر نظر داشت. از میان این نمایندگان، می توان از «ابراهیم بن عبده»، نماینده امام در «نیشابور» و «احمد بن اسحاق بن عبدالله قمی اشعری» در قم و «ابراهیم بن مهزیار» در اهواز یاد کرد.

3- فعالیت های سرّی سیاسی

امام به رغم تمامی محدودیت های و مراقبت هایی که از طرف دستگاه خلافت به عمل می آمد، یک سلسله فعالیت های سرّی سیاسی را رهبری می کرد که با گزینش شیوه های بسیار ظریف پنهانکاری، از چشم بیدار و مراقب جاسوسان دربار، به دور می ماند.

«عثمان بن سعید عمّری» که از نزدیک ترین و صمیمی ترین یاران امام بود، زیر پوشش روغن فروشی، فعالیت می کرد و شیعیان و پیروان آن حضرت، اموال و وجوهی را که می خواستند به امام تحویل دهند، به او می رساندند و او آنها را در ظرف ها و مشک های روغن قرار داده، به حضور امام می رساند. «داود بن اسود»، خدمتگزار امام که مأمور هیزم کشی و گرم کردن حمام خانه حضرت عسکری علیه السلام بود، می گوید: «این چوب را بگیر و نزد «عثمان بن سعید» ببر و به او بده». من چوب را گرفته، روانه شدم. در راه به یک نفر سقا برخورد. قاطر او، راه مرا بست. سقا از من خواست حیوان را کنار بزنم. من چوب را بلند کردم و به قاطر زدم. چوب شکست و من وقتی محل شکستگی آن را نگاه کردم، چشمم به نامه ای افتاد که در داخل چوب بود؛ به سرعت چوب را زیر بغل گرفته، برگشتم.

وقتی به در خانه امام رسیدم، «عیسی»، خدمت گزار امام کنار در به استقبال آمد و گفت: «آقا و سرور می گوید که چرا قاطر را زدی و چوب را شکستی؟»، گفتم: «نمی دانستم داخل چوب چیست»، امام علیه السلام فرمود: «چرا کاری می کنی که مجبور به عذر خواهی شوی؟ مبادا بعد از این چنین کاری کنی، اگر شنیدی کسی به ما ناسزا هم می گوید، راه خود را بگیر و برو و با او مشاجره نکن. ما، در شهر و دیار بدی به سر می بریم؛ تو فقط کار خود را بکن و بدان که گزارش کارهایت به ما می رسد». این قضیه نشان می دهد که امام، اسناد، نامه ها و نوشته هایی را که سرّی بوده، در میان چوب، جاسازی می کرد و برای «عثمان بن سعید» که شخص بسیار مورد اعتماد و رازداری بوده، می فرستاد و این کار را به عهده مأمور حمام که کارش هیزم آوردن و چوب شکستن و... بود و معمولاً سؤ ظن کسی را جلب نمی کرد، واگذار کرده بود.

4- حمایت و پشتیبانی مالی از شیعیان

یکی دیگر از موضع گیری های امام، حمایت و پشتیبانی مالی از شیعیان، به ویژه از یاران خاص و نزدیک آن حضرت، بود. گاهی برخی از یاران امام، از تنگنای مالی، در محضر امام علیه السلام شکوه می کردند و آن حضرت، گرفتاری مالی آنان را برطرف می ساخت و گاهی حتی پیش از آن که اظهار کنند، امام علیه السلام مشکل آنان را برطرف می کرد. این اقدام امام علیه السلام مانع از آن می شد که آنان زیر فشار مالی، جذب دستگاه حکومت عباسی شوند. ابو هاشم جعفری می گوید: «از نظر مالی در مضیقه بودم؛ خواستم وضع خود را طی نامه ای برای امام عسکری علیه السلام بیان کنم؛ ولی خجالت کشیدم و از این کار خودداری کردم. وقتی که وارد منزل شدم، امام صد دینار برای من فرستاد و طی نامه ای نوشت: هر وقت احتیاج داشتی، خجالت نکش و پروا مکن و از ما بخواه که به خواست خدا، به مقصود خود می رسی».

5- تقویت و توجیه سیاسی عناصر مهمّ شیعه

یکی از مهم ترین فعالیت های سیاسی امام، تقویت و توجیه سیاسی رجال مهم شیعه در برابر فشارها و سختی های مبارزات سیاسی، در جهت حمایت از آرمان های بلند تشیع بود. از آن جا که شخصیت های بزرگ شیعه در فشار بیشتری بودند، امام علیه السلام هر یک از آنان را به نحوی دل گرم و راهنمایی می کرد و روحیه آنان را بالا می برد؛ تا میزان تحمل و صبر و آگاهی آنان در برابر فشارها، تنگناها و فقر و تنگدستی ها فزونی یابد و بتوانند مسئولیت های بزرگ اجتماعی و سیاسی و وظایف دینی خود را به خوبی انجام دهند. امام علیه السلام در نامه ای به علی بن حسین بن بابویه قمی، یکی از فقهای بزرگ شیعه، پس از ذکر یک سلسله توصیه ها و رهنمودهای لازم، چنین یاد آوری می کند: «صبر کن و منتظر فرج باش که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «برترین اعمال امت من، انتظار فرج است. شیعیان ما پیوسته در غم و اندوه خواهند بود؛ تا فرزندم ظاهر شود؛ همان کسی که پیامبر بشارت داده که زمین را از قسط و عدل پر خواهد ساخت، همچنان که از ظلم و جور پر شده باشد. ای بزرگمرد و مورد اعتماد و فقیه من! صبر کن و شیعیان مرا به صبر فرمان بده! زمین از آن خداست و هر کسی از بندگانش را که بخواهد، وارث (حاکم) آن قرار می دهد. فرجام نیکو، تنها از آن پرهیزگاران است. سلام و رحمت خدا و برکات او بر تو و بر همه شیعیان باد!»

6- استفاده گسترده از آگاهی غیبی

می دانیم که امامان علیهم السلام، در پرتو ارتباط با پروردگار جهان، از آگاهی غیبی برخوردار بودند و در مواردی که اساس حقانیت اسلام یا مصالح عالی امت اسلامی در معرض خطر قرار می گرفت، از این آگاهی به صورت ابزار هدایت، استفاده می کردند. پیشگویی ها و گزارش های غیبی امامان علیهم السلام، بخش مهمی از زندگی نامه آنان را تشکیل می دهد؛ اما چنین به نظر می رسد که: آن حضرت بیش از امامان دیگر آگاهی غیبی خود را آشکار می ساخته است.

بر اساس تحقیق یکی از دانشمندان معاصر، از کرامات و گزارش های غیبی و اقدامات خارق العاده امام عسکری علیه السلام، قطب راوندی در کتاب «خرائج»، چهل مورد، سید بحرانی در «مدینه المعاجز»، صد و سی و چهار مورد، شیخ حر عاملی در «اثبات الهداه»، صد و سی و شش مورد و علامه مجلسی در «بحار الأنوار»، هشتاد و یک مورد را ثبت کرده اند و این، به خوبی روشن گر فزونی بروز کرامات و گزارش های غیبی از ناحیه آن حضرت می باشد.

به نظر می رسد علت این امر، شرایط نامساعد و جوّ پر اختناق بود که امام یازدهم علیه السلام و پدرش امام هادی علیه السلام در آن زندگی می کردند؛ زیرا از وقتی که امام هادی علیه السلام از سر اجبار به سامرا منتقل شد، به شدت تحت مراقبت و نظارت بود. از این رو، امکان معرفی فرزندش «حسن» به عموم شیعیان، به عنوان امام بعدی، وجود نداشت و اصولاً این کار، حیات او را از ناحیه حکومت وقت، در معرض خطر جدی قرار می داد. به همین جهت، کار معرفی امام عسکری علیه السلام به شیعیان و گواه گرفتن آنان در این باب، در ماه های پایانی عمر امام هادی علیه السلام صورت گرفت؛ به طوری که هنگام رحلت آن حضرت، هنوز بسیاری از شیعیان از امامت حسن عسکری علیه السلام آگاهی نداشتند.

عامل دیگری که در این زمینه مؤثر بود، اعتقاد گروهی از شیعیان به امامت «محمد بن علی»، برادر حضرت عسکری علیه السلام، در زمان حیات امام هادی علیه السلام بوده است. این گروه بر اساس همین پندار او را در محضر امام هادی علیه السلام احترام می کردند؛ ولی حضرت با این پندار مبارزه می کرد و آنان را به امامت فرزندش حسن علیه السلام راهنمایی می نمود.

پس از شهادت حضرت هادی علیه السلام گروهی از خیانت کاران و نادانان، مانند «ابن ماهویه»، این پندار را دستاویز قرار داده، به اغوای مردم و منحرف ساختن افکار از امامت حضرت عسکری علیه السلام پرداختند.

این عوامل دست به دست هم داده، موجب شک و تردید گروهی از شیعیان در امامت آن حضرت، در آغاز کار شده بود؛ چنان که برخی از آنان در صدد آزمایش امام علیه السلام بر آمدند و برخی دیگر در این زمینه با امام علیه السلام مکاتبه کردند. این تزلزل ها و تردیدها به حدی بود که امام علیه السلام در پاسخ گروهی از شیعیان در این زمینه، با آزردهی و رنجش فراوانی نوشت: «هیچ یک از پدرانم، مانند من، گرفتار شک و تزلزل شیعیان در امر امامت نشده اند...».

7- آماده سازی شیعیان برای دوران غیبت

از آن جا که غایب شدن امام و رهبر هر جمعیتی، یک حادثه غیر طبیعی و نامأنوس است و باور کردن آن و نیز تحمل مشکلات ناشی از آن، برای اغلب مردم دشوار می باشد، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام به تدریج مردم را با این موضوع آشنا ساخته، افکار را برای پذیرش آن آماده می کردند.

این تلاش در عصر امام هادی و امام عسکری(ع) که زمان غیبت نزدیک می شد، به صورت محسوس تری به چشم می خورد؛ چنان که امام هادی علیه السلام اقدامات خود را توسط نمایندگان انجام می داد و خودش کمتر با افراد تماس می گرفت.

این معنا در زمان امام عسکری(ع)، جلوه بیشتری یافت؛ زیرا امام از یک طرف با وجود تأکید بر تولد حضرت مهدی(عج)، او را تنها به شیعیان خاص و بسیار نزدیک نشان می داد و از طرف دیگر، تماس مستقیم شیعیان با خود آن حضرت، روز بروز محدودتر و کمتر می شد؛ به طوری که حتی در خود شهر سامرا به مراجعات و مسائل شیعیان از طریق نامه یا توسط نمایندگان خویش پاسخ می داد و بدین ترتیب، آنان را برای تحمل اوضاع و شرایط و تکالیف عصر غیبت و ارتباط غیر مستقیم با امام علیه السلام، آماده می ساخت و این همان روشی است که بعدها امام دوازدهم(ع) در زمان غیبت صغرا در پیش گرفت و شیعیان را به تدریج برای دوران غیبت کبرا آماده ساخت.

منابع:

1- مجله پرسمان، شماره 110

2- دانشنامه مجازی مکتب اهل بیت

3- دانشنامه اسلامی موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت(ع) (ویکی اهل بیت)

4- دانشنامه فقه و اصول و علوم حوزوی (ویکی فقه)